

اشاره: «امنیت همواره یکی از بنیادی ترین نیازهای جوامع بوده استست. اما امنیت در قرن بیست‌ویکم معنای تازه یافته است. دیگر نه مرزهای فیزیکی، نه دیوارهای بلند، و نه ارت‌های پرشمار به‌تنهایی ضامن امنیت‌اند. آینده نظامی و امنیتی، عرصه‌ای است که در آن قدرت سایبری، بنبر اطلاعاتی، عملیات شناختی و فناوری‌های هوشمند نقش تعیین‌کننده خواهند داشتست. به همین دلیل از آن به «نبرد در سایه‌ها» تعبیر می‌شود؛ جنگ‌هایی که کمتر دیده می‌شوند اما سر نوشت ملت‌ها را تغییر می‌دهند.

تغییر چهره جنگ

جنگ‌های کلاسیک قرن بیستم بر پایه ارتش‌های بزرگ، توپخانه‌های سنگین، ناوهای هواپیمابر و تانک‌های غول‌پیکر استوار بوده؛ جنگ‌هایی که خطوط مقدم مشخص داشتند و پیروزی در آن‌ها با تسخیر خاک و نابودی نیروی دشمن سنجیده می‌شد. اما اکنون، با دگر گونی ساختار قدرت و پیشرفت فناوری‌های نوین، جنگ‌ها چهره‌ای کاملاً متفاوت یافته‌اند. نبردهای امروز و فردا دیگر صرفاً نظامی نیستند، بلکه ترکیبی و هب‌ریدند؛ آمیزه‌ای از عملیات سایبری، رسانه‌ای، فناوریانه و روانی که درهم تنیده و چندانیه پیش می‌روند.

در این الگوی جدید، حملات سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی همچون بانک‌ها، نیروگاه‌ها، شبکه‌های ارتباطی و حتی بیمارستان‌ها، می‌تواند بدون شلیک حتی یک گلوله، یک کشور را از درون فلج کند. از سوی دیگر، استفاده از پهپادهای کوچک اما هوشمند، که با هزینه‌ای اندک قادرند میلیاردها دلار خسارت وارد کنند، ماهیت قدرت نظامی را به چالش کشیده است. دیگر نیازی به لشکرکشی‌های پرهزینه نیست؛ چند ریزپه‌ای می‌توانند کاری کنند که پیش‌تر به چند گردان نیروی ویژه نیاز داشت. اما شاید خطرناک‌ترین بُعد این نبردها، جنگ شناختی باشد؛ جنگی که نه در میدان نبرد، بلکه در ذهن و باور مردم رخ می‌دهد. در این عرصه، دشمن به جای اشغال سرزمین، به تسخیر افکار و قلب‌ها می‌پردازد؛ با اخبار جعلی، عملیات روانی و روایت‌های فریبنده، انسجام ملی را هدف می‌گیرد و قدرت تصمیم‌سازی را مختل می‌کند.

در نتیجه، آینده امنیت جهانی بیش از هر زمان دیگری به توانایی کشورها در مدیریت نامتوازن تهدیدها بستگی دارد؛ یعنی توانایی درک، پیش‌بینی و پاسخ به تهدیدهایی که نه از مسیرهای سنتی،



می‌کنند، پهنادهایی که با تحلیل داده‌های لحظه‌ای تصمیم می‌گیرند و شبکه‌هایی که تهدید را پیش از وقوع شناسایی می‌کنند، تنها نمونه‌هایی از این انقلاب فناوری‌اند.

اما روی دیگر این تحول، چهره‌ای نگران‌کننده و حتی هولناک دارد. همان فناوری‌هایی که می‌توانند امنیت ایجاد کنند، در دست دشمن می‌توانند به ابزار نابودی بدل شوند. از سامانه‌های جنگ سایبری خودکار گرفته تا تولید انبوه اخبار جعلی و ویدئوهای قانع‌کننده (Deepfake)، و از هدایت پهپادهای قاتل تا حملات الگوریتمی به زیرساخت‌های حیاتی، همه و همه نشان می‌دهد که مرز میان دفاع و تهاجم به طرز خطرناکی باریک شده است.

در چنین شرایطی، آینده نظامی جهان بیش از هر زمان دیگری به اخلاق، قانون و مسئولیت‌پذیری گره خواهد خورد. کشورها ناگزیر خواهند بود چارچوب‌های بین‌المللی تازمای برای تنظیم و نظارت بر استفاده

جهان آینده؛ ضرورت نگاه چندبعدی آینده نظامی و امنیتی؛ نبرد در سایه‌ها

بخش سوم

محمدجواد نجفی- کارشناس و تحلیلگر مسائل بین‌الملل

در آینده، «جنگ شناختی» به‌اندازه جنگ سخت، بلکه گاه بیش از آن اهمیت خواهد داشت. این نوع اصلی، ذهن انسان‌ها و افکار عمومی است. پیش می‌روند؛ میدان جدید، گلوله‌ها جای خود را به محتوا داده‌اند و توپخانه‌ها در قالب رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی عمل می‌کنند.

تحولات سال‌های اخیر به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، نشان داد که حتی گروه‌های کوچک مقاومت، اگر روایت مؤثر و منسجم داشته باشند، می‌توانند معادلات قدرت را تغییر دهند. توان روایت‌سازی، به اندازه توان تسلیحاتی اهمیت یافته است. جنگ‌های اخیر در غزه، یمن و حتی اوکراین، نمونه‌هایی روشن از این واقعیت‌اند که افکار عمومی جهانی می‌تواند مسیر تصمیم‌گیری دولتها و رفتار بازیگران را تغییر دهد. در عصر دیجیتال، هر تصویر، ویدئو یا خبر می‌تواند به اندازه یک عملیات نظامی واقعی تأثیر گذار باشد.

مسئله سیاسی است: آن به اصطلاح اندیشه سیاسی است.

اندیشه سیاسی غیر از گرایش سیاسی است... آقای نائینی اندیشه سیاسی داشت، فکر سیاسی داشت. این تنبیه‌الائمّه واقعاً مظلوم واقع شده... تا الان هم این کتاب هنوز همچنان مهجور است در حالی که کتاب مهفی است.

مسئله سیاسی است: آن به اصطلاح اندیشه سیاسی است.

اندیشه سیاسی غیر از گرایش سیاسی است... آقای نائینی اندیشه سیاسی داشت، فکر سیاسی داشت. این تنبیه‌الائمّه واقعاً مظلوم واقع شده... تا الان هم این کتاب هنوز همچنان مهجور است در حالی که کتاب مهفی است.

راز جمع‌آوری کتاب «تنبیه‌الائمّه» ائحرف‌المسیر مشروطه بود

قانع باشند و بگویند وقتی که ما قادر به تحقق آن مرتبه بالاتر و اعلی نیستیم، این بحث را کارِ هزار کتیم و بگوییم اصلاً کاری به این مرتبه پایین‌ترش هم نداشته باشیم؛ یعنی ایشان می‌فرمایند ولو ما ولایت فقیه را قبول نداشته باشیم، ولی از باب امور حسیه که شارع مقدّس راضی به ترکش نیست، باز فقیه اولی است به اینکه این کار را انجام بدهد و در آس کار باشد و حکومت زیر نظرش باشد؛ می‌گویند ما الآن از سر ناچاری به این شکل فعلی، یعنی شکل قانون مشروطه، تمکین کردیم، مقصود اینکه این مطالب در این نامه منتشرنشده شهید مدرّس – که ما در مجله کتاب شیعه، ویژه‌نامه میرزای نائینی، چاپ کردیم – تأکید بر همین است که شما زودتر «هیئت نظر» را معرفی کنید.

مرحوم مدرّس امیدوار بود که این مسئله محقّق شود ولی بعد با دستگیری خود شهید مدرّس و تبعیدش به خوف و کاشمر و استبداد رضاشاهی، این اصل قانون اساسی هم اجرا نشد. اعضای «هیئت نظر» را هم آقای حائری و اصفهانی و آقای نائینی معرفی کردند که در بین اعضا اسم آقای مدرّس و امام‌جمعه خونی و علمای متعدد دیگری هست، ولی متأسّفانه عملی نشد.

در حوزه تاریخ‌نگاری، به‌خصوص درباره آخوند خراسانی و علامه نائینی، نقل‌قول‌های مختلفی وجود دارد. درخصوص مسئله جمع‌آوری کتاب «تنبیه‌الائمّه» از سزوی میرزای نائینی، حضرت آقا آشتیاری می‌گویند که ما توجه به شواهدی که وجود دارد



– از جمله، شواهدی که از قول همدرسان مرحوم آشتیاری در ضمن موسوعه‌ای محقق‌نایبی چاپ‌شده یعنی نسخه عرش‌اش هم چاپ شده که هر کس بخواند از عربی استفاده کند بی‌غلط باشد. به‌عمر حاضر، معتبرترین نسخه «تنبیه‌الائمّه» همین است که الآن ضمن موسوعه‌ی میرزای نائینی منتشر شده است.

آن حمله هم و اولی حکومت معصوم (صلوات الله علیه) است که می‌فرماید حالا که ما به حکومت معصومین دسترسی نداریم، مرحله بعثش حکومت نایب معصوم است؛ حالا اگر قدرت بر تشکیل حکومت نایب معصوم نداریم، از باب امور حسیه، حکومت از آن عدول مؤمنین است؛ منتها برتر و مهم‌تر و شایسته‌تر از عدول مؤمنین، خود فقیه جامع‌الشرایط است. آن‌وقت از باب امور حسیه و اموری که شارع راضی به ترکش نیست – که مرحوم آیت‌الله خویی هم که شاگرد برجسته میرزای نائینی است این را



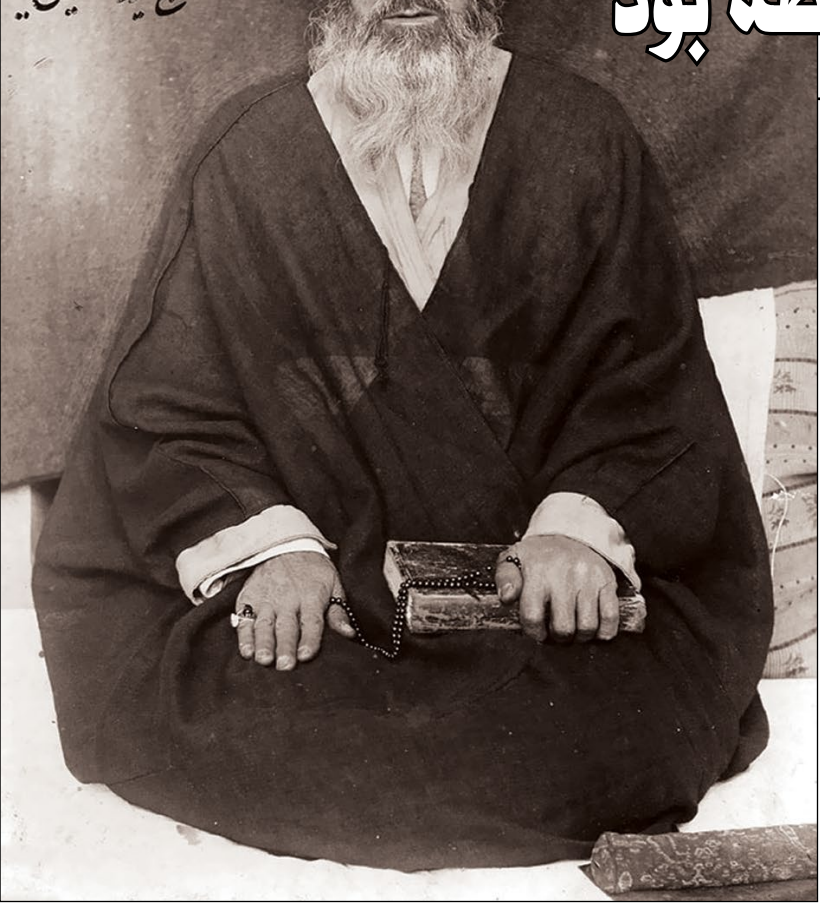
جهان آینده؛ ضرورت نگاه چندبعدی آینده نظامی و امنیتی؛ نبرد در سایه‌ها

در آینده، «جنگ شناختی» به‌اندازه جنگ سخت، بلکه گاه بیش از آن اهمیت خواهد داشت. این نوع اصلی، ذهن انسان‌ها و افکار عمومی است. پیش می‌روند؛ میدان جدید، گلوله‌ها جای خود را به محتوا داده‌اند و توپخانه‌ها در قالب رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی عمل می‌کنند.

تحولات سال‌های اخیر به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، نشان داد که حتی گروه‌های کوچک مقاومت، اگر روایت مؤثر و منسجم داشته باشند، می‌توانند معادلات قدرت را تغییر دهند. توان روایت‌سازی، به اندازه توان تسلیحاتی اهمیت یافته است. جنگ‌های اخیر در غزه، یمن و حتی اوکراین، نمونه‌هایی روشن از این واقعیت‌اند که افکار عمومی جهانی می‌تواند مسیر تصمیم‌گیری دولتها و رفتار بازیگران را تغییر دهد. در عصر دیجیتال، هر تصویر، ویدئو یا خبر می‌تواند به اندازه یک عملیات نظامی واقعی تأیر گذار باشد.

مسئله سیاسی است: آن به اصطلاح اندیشه سیاسی است.

اندیشه سیاسی غیر از گرایش سیاسی است... آقای نائینی اندیشه سیاسی داشت، فکر سیاسی داشت. این تنبیه‌الائمّه واقعاً مظلوم واقع شده... تا الان هم این کتاب هنوز همچنان مهجور است در حالی که کتاب مهفی است.



همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند، در یک دوره‌ای همه مراجع نجف و مدرّسین تراز اول نجف از شاگردان مرحوم نائینی بودند. مثلاً مرحوم آیت‌الله سیدمحمدحسین شاهرودی جزو برجسته‌ترین شاگردهای مرحوم نائینی است و همچنین آقا جمال گلی‌ایگانی؛ یعنی یک دوره‌ای در نجف اشرف، همه مراجع و اساتید تراز اول از شاگردان برجسته مرحوم نائینی بودند و آراء و افکارش را بحث می‌کردند، از جمله آیت‌الله خویی که این‌همه شاگرد دارد و شاگردان آیت‌الله خویی هم باز همان مکتب را ترویج می‌کردند که بعدها به قم و مشهد منتقل شدند و آراء مرحوم نائینی را تشریح کردند، مثل آیت‌الله وحید خراسانی که غایت داشتند تا همه آراء مرحوم نائینی به‌یاد آید. آیت‌الله میرزا جواد تبریزی و آیت‌الله سیدابوالقاسم کوکبی هم شاگردان مدرسه آیت‌الله خویی هستند که باز همان مبانی را در قم ترویج می‌کردند. در مشهد، مثلاً مرحوم آیت‌الله میرزاغلی‌آقای فلسفی، برادر آقای فلسفی، واعظ شهیر، و قبل از ایشان آیت‌الله میانی و قبل از ایشان امیرزا مهدی اصفهانی و همزمان با میرزا مهدی اصفهانی شیخ موسی خوسلاری هم شاگرد مرحوم نائینی است که کشش ماه در مشهد مبانی میرزای نائینی را چه در قم و چه در اصول، ترویج می‌کردند. مقصود اینکه افکار و اندیشه‌های ایشان در قفه و اصول هم در قم، هم در نجف، هم در مشهد، به وسیله شاگردها محور درس‌ها بوده و همه در آن میرداختند.

این روزها شسبهات زیادی در فضای مجازی مطرح شده‌ است و اینکه چه شده است که حوزه علمیه به سراغ اندیشه علامه نائینی رفته است؛ لطفاً بفرمایید که هدف و انگیزه از برگزاری این همایش چه بوده است و مقدمات برگزاری آن از چه زمانی آغاز شده است؟

این تعبیر که برخی گفته‌اند جمهوری اسلامی از شیخ فضل‌الله رفته به سمت مرحوم نائینی و اینکه الآن یاد ایشان افتاده‌اند صحیح نیست. رهبر انقلاب سال‌ها پیش به دفتر تبلیغات دستور دادند که برای بزرگان شیعه همایش بگیرند و مجموعه‌ای آثارشان را چاپ کنند؛ دفتر تبلیغات این کار را شروع کرد. مثلاً همایش مردم کلینی چون

صفحه ۸

چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۴
۱۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۹۷

دولت‌ها فراتر رفته‌اند. ازاین‌رو، امنیت آینده نه در قالب دیوارهای دفاعی و انباشت سلاح، بلکه در چارچوب پیمان‌های منطقه‌ای، شبکه‌های همکاری و اعتماد متقابل میان کشورها تعریف خواهد شد.

در چنین شرایطی، کشورهایی که بتوانند از منطق رقابت صرف عبور کرده و همکاری‌های امنیتی، اقتصادی و فناوریانه را در اولویت قرار دهند، به بازیگران تعیین‌کننده نظم جدید منطقه‌ای تبدیل خواهند شد. در عکس، اصرار بر سیاست‌های انزوا، دشمن‌سازی و وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تنها به تشدید بی‌ثباتی و فراسایش ظرفیت‌های ملی منجر خواهد شد.

برای نمونه، خاورمیانه آینده یا به صحنه‌ای برای رقابت مغرب تسلیحاتی، جنگ‌های نیابتی و تشدید نامنی تبدیل خواهد شد، یا می‌تواند با اتکا به منافع مشترک، به فضائی برای شکل‌گیری سازوکارهای جمعی امنیتی و دفاعی بدل گردد. انتخاب میان این دو مسیر، در حقیقت انتخاب میان عقب‌ماندگی و پیشرفت، میان وابستگی و استقلال، و میان بی‌ثباتی و توسعه پایدار است. مسیر درست، مسیری است که در آن عقلایت، گفت‌وگو و همکاری جایگزین سلاح، سوظن و رقابت کور شود.

از قدرت آتش تا قدرت هوش؛ تحول میدان نبرد در عصر داده و روایت

آینده نظامی و امنیتی جهان را می‌توان چنین ترسیم کرد: جنگ‌ها به‌تدریج از میدان‌های فیزیکی و نبردهای پرهیاهوی نظامی به عرصه‌های نامرئی سایبری و شناختی منتقل می‌شوند؛ جایی که اطلاعات، روایت‌ها و داده‌ها جایگزین گلوله، تانک و موشک خواهند شد. در این دوران جدید، ارتش‌ها بیش از آنکه به تجهیزات سنگین و انباشت سلاح متکی باشند، به فناوری‌های نوین، شبکه‌های هوشمند و مدیریت کلان‌داده‌ها وابسته خواهند بود.

در این چشمانداز، مفهوم «امنیت ملی» نیز دچار دگرگونی می‌شود؛ امنیت دیگر صرفاً در مرزهای جغرافیایی خلاصه نخواهد شد، بلکه در توان تاب‌آوری سایبری، درک عمیق از جنگ روایت‌ها و شکل‌دهی به همکاری‌های منطقه‌ای و چندجانبه معنا می‌یابد. به همکاری‌ها که بتوانند نظام دفاعی خود را بر پایه دانش، فناوری و اعتماد ملی بازتعریف کنند، بازیگران اصلی امنیت جهانی آینده خواهند بود.

به بیان دیگر، امنیت آینده نه در قدرت آتش، بلکه در قدرت هوش، داده و روایت نهفته است؛ جایی که برنده، نه آن که بیشتر شلیک کند، بلکه آن که بهتر بفهمد، سریع‌تر تحلیل کند و مؤثرتر روایت بسازد، پیروز میدان خواهد بود.

کلین و شهری بود، قرار شد آنچه مربوط به شهری است مؤنسه دارالحديث زیر نظر آقای ری‌شهری بر گزار کند، غیر شهری را دفتر تبلیغات و سایر مراکز؛ لذا آقای ری‌شهری کتکره مرحوم کلینی و ابوالفتح زاری را که قشیر در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (علیهما السلام) است بر گزار کرد. همچنین، بزرگداشت رازی قزوینی، صاحب کتاب «التفصیح» را هم آقای ری‌شهری با مشارکت چند مؤنسه دیگر بر گزار کرد. همچنین، همایش شریف مرتضی هم با همکاری بنیاد پژوهش‌های آستان قدس بر گزار شد.

یک نکته‌ای که هست این است که در کتاب‌های تاریخی و بعضی روزنامه‌های همان زمان مشروطیت و بعد از مشروطیت در زمان رضاشاه، چند مطلب نادرست را به مرحوم نائینی نسبت دادند که در همین کتابی که مدخل نامه‌ای به اسم مرحوم نائینی جعل کردند در تجلیل از رضاشاه و اینکه مرحوم نائینی شمشری از خزانه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عکس و تمثالی از خزانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای رضاشاه و به عنوان تکریم او فرستاده؛ این از دروغ‌های واضح است که نامه را نائینی نداده، هم متمشیر و تمثال را هم این‌ها را اند کلیداری که حرم را اداره می‌کرده فرستاده و بعد هم به نام نائینی نامه‌ی جعل کردند که در روزنامه‌های آن زمان چاپ شده. دلایل دروغ بودن این نامه و تعریف از رضاشاه و ارسال تمثال و مانند این‌ها، در همین کتاب مدخل مشروطیت ائمه مقصود اینکه کسی فوری نباید بگوید این نامه را نگاه کنید ببینید میرزای نائینی خطاب به رضاشاه جقدر تجلیل کرده؛ این نامه از نامه‌های جعلی و مجعول است. البته چیزهای دیگری هم مثل این قضیه وجود دارد؛ این حالا شخاصش بود که عرض کردم.

از جمله، آن متن مفصلی که به آخوند خراسانی نسبت داده می‌شود که در مرحوم نائینی نقل کرده و آن شبهات کنایه‌ی که در حوزه قدرت حکومت اسلامی هست، همه این‌ها از این جعلیات است. اتفاقاً همان سال ۱۳۲۸ که این حرف‌ها تازه شروع شده بود ما یک جلسه‌ی خدمت آیت‌الله سیستانی داشتیم؛ ایشان فرمود ما سال‌ها شیخ آقا بزرگ را این‌جا دیده بودیم - شیخ آقا بزرگ تهرانی که برخی از ایشان این مسائل را نقل می‌کند - شیخ آقا بزرگ تهرانی ایسا دارن حرف می‌زدن؛ تا نباید یاد این‌ها بی‌ای که در نجف محشور بوده یک کلمه بگوید؟ فقط باید این حرف‌ها را یک نفر نقل کند؟ به هیچ کس دیگری نباید بگوید؛ و علاوه‌بر این نباید در کتاب‌ها بنویسد؟ کار ایشان اتفاقاً ثبت همین سال بود، اما در یکی از کتاب‌هایش هم یک کلمه از این حرف‌ها زده. آنجا که شرح حال آخوند را می‌نویسد، چرا نقل کرده؟ یا چرا تهرانی گفته این حرف‌ها؟ یا این‌همه شاگرد که داشت؛ چرا به آن‌ها نگفت و آن‌ها چرا یک کلمه نقل نکردند؟ یعنی از شواهد نادرست بودن انتساب این حرف‌ها به آخوند خراسانی و میرزای نائینی این است که او را این قلمه یک نفر است، و دیگر آنکه خبر شما اگر پنجاه سال پیش از شیخ آقا بزرگ شنیدید، چرا همان وقت ننوشتید و منتشر نکردید؟

خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی را! ایشان می‌گفت این ادبیات اصلاً نائینی را است، این کلمات به آخوند و نائینی نمی‌خورد. ایشان می‌گفت این اشکال‌هایی که الآن بر حکومت اسلامی می‌گیرند، ادبیات امروز است و معلوم است آن کسی که این‌ها را ساخته سر ما را در کرده و این‌ها را زارواختند. خدمت مرحوم آیت‌الله صافی گلی‌ایگانی هم که بودم، ایشان می‌گفت اگر نظر آخوند این بود، اگر حرفش این بود، چه کار داشت که مشروطه را به پا کند و این‌همه خودش را به زحمت ببندد؟ زحمت بکنند؛ اما در مراجع تقلید می‌کرد و نظرشان تأمین بود. اگر شما می‌گویید که مقصود آخوند این بود، پس این‌همه مصیبت کافی و این‌همه زحمت کنید برای چه؟ مرحوم آیت‌الله صافی هم قبول نداشت. من از آقای صافی پرسیدم، از حضرت آیت‌الله سیستانی هم خود شنیدم، از آیت‌الله اردبیلی هم رفتاری ماقل می‌کردند که گفته بود این ادبیات اصلاً ادبیات امروزی است. این ادبیات آخوند و نائینی و مانند این‌ها نیست. بنابراین این‌ها غیر از ادبیات مکتوب، بی‌همین است.